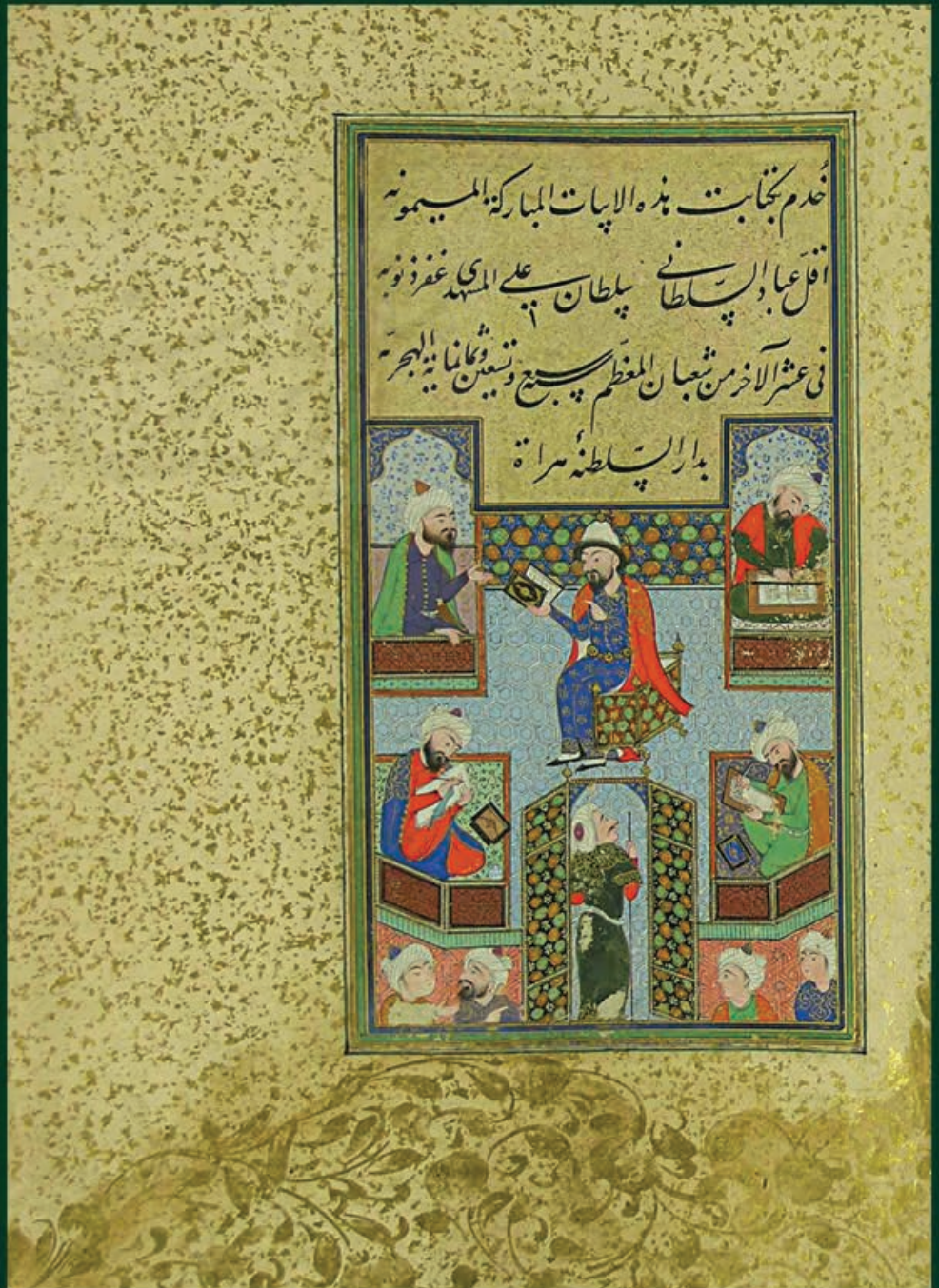


فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۴۰۰ [انتشار: زمستان ۱۴۰۱]

سرخس: سنگ زیرین آسیای تحقیق • یک تحول آوایی محدود در زبان فارسی / علی‌اکبر صادقی • فردوسی در بارگاه سلیمان؟ / ابوالفضل خطیبی، امیر ارغوان • اقیانوس مآلصدر از المباحث المشرفیة فخر رازی در اسفار / سیل بوندارادا ترجمه: سید ایزدی، بریم مهدوی مزه • دو بیت نریافته از رودکی در یک کتاب عروض و بلاغت تازه یاب از پایان قرن هفتم هجری / سید محسن حکیم • کتابخانه سلطنتی محمدظاهر شاه و فهرست‌نویسی نسخ خطی آن / مصوبه نظری • برگ‌های آغازین شاهنامه حاجی قوام‌الدین حسن وزیر / امیر ارغوان • آرتور اوپهام پوپ و منتعصب تلخ مزاج / اسکار وایت موسکارلا، ترجمه: هدیه ربهی • «قصب سدهامنی» و «دقنه»، دو اصطلاح ناشناخته در دیوان خاقانی / سید محسن حسینی وردنهجانی • سفینه پریحجر: معرفی اثری از قرن هشتم / فرزانه شکراللهی • نثر فارسی، جلد پنجم از تاریخ ادبیات فارسی / مجتهدین کیمانی • درباره یک سرت ائمه در تصحیح کتاب سلسله العارفین و تذکره الصدیقین / عارف نوشاهی • شرح آداب خط: درباره تصحیح رساله سلطان علی مشهدی / علیرضا مانسوری‌زاد • تأملی در جنگ علی بن احمد، زمان تدوین و متن چاپی آن / فرزاد حقیق • ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۱۳): کمک خوارستن از متون ویدی برای اشتقاق فارسی / سید احمدرضا قاسمی‌نژاد • تأثیر و تأثر منابع سامی و مطالعات ساسانی: یک رویکرد نو / نیما جمال • آثار لطفی احمد افندی / نسرته صالحی



نشان‌دهنده دو نیروی متضاد در باستان‌شناسی امروزی
است: کاوشگری و تخریب.

در برخورد با نگهبان، درست وارد لانهٔ ببر می‌شوی. او یک متعصب تلخ مزاج است که برای ایرانیان نقش تصنعی حفاظت از میراث برحق مردم و آثار باستانی را بازی می‌کند. آثاری که عتیقه‌داران (تمام آن دزدان جنایت‌کار) و همدستان جنایت‌کارشان، مدیران حریص و بی‌وجدان موزه‌ها، به طرز شرم‌آوری سرقت می‌کنند. او یک قطعنامهٔ نسبتاً تندوتیز به امید تصویب در کنگره آماده کرده بود... گیرشمن و من به آن رأی منفی دادیم... سیصد گوسفند به نفع آن رأی دادند.

این انتقادی است که آرتور اوپهام پوپ برای یکی از شاگردانش به نام رکسفورد استید^۲ نوشته است.^۳ کنگره‌ای هم که به آن اشاره شده، پنجمین کنگرهٔ بین‌المللی هنر و باستان‌شناسی ایران است که در سال ۱۹۶۸م/ [۱۳۴۷ش]، یعنی همان سال نگارش نامه، در ایران برگزار شده و آن «قطعنامهٔ تندوتیز» هم در واقع یک فرجام‌خواهی ملایم بود:

با توجه به «رشد معاملات مخفیانه و غیرقانونی آثار باستانی» که «میراث فرهنگی و تاریخی بشر را نابود می‌کند»، کنگره از همه کشورها و یونسکو می‌خواهد برای جلوگیری از صادرات آثار باستانی از کشوری و منع ورود آن‌ها به کشوری دیگر - جز از مجاری رسمی و قانونی - تدابیر مؤثری اتخاذ کند.

ارزیابی کنایه‌آمیز پوپ از نگهبان و اهانتش به هدف قطعنامهٔ کنگره، که نگهبان نقش بزرگی در تدوین آن داشت،^۴ فوراً

2. Rexford Stead.

3. GLUCK, Jay and Noël SIVER (eds.), *Surveyors of Persian Art, Arthur Upham Pope & Phyllis Ackerman* (California: Mazda Publishers, 1996): 537.

۴. در پنجمین کنگرهٔ بین‌المللی هنر و باستان‌شناسی ایران (Vth International Congress of Iranian Art & Archaeology, The Memorial Volume. Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research, 1972, p. XXXIV نگهبان مدعی است «فقط دو رأی منفی وجود داشت» و از ذکر اسامی مخالفان خودداری کرده است. پوپ می‌گوید، آن دو نفر خودش و گیرشمن بوده‌اند. این گفته توسط گلوک نقض می‌شود و او، با افتخار، خود را هم، در کنار آن شخص دیگر، از افرادی معرفی می‌کند که به قطعنامه رأی منفی داده‌اند (GLUCK & SIVER, 1996: 534, 540). آگاهی‌ای که گلوک، در مقام ویراستار، هرگز به خواننده نمی‌دهد این است که او - که با تقلید از مرتبی خود بهترین تمجید را از او به عمل آورده بود - علاوه بر این که ناشر بوده، یک دلال عتیقه در ژاپن به حساب می‌آمده است.

آرتور اوپهام پوپ و متعصب تلخ مزاج

اسکار وایت موسکارلا*

ترجمه: هدیه رهبری
hrahbari.02@gmail.com

چکیده

در این مقاله فعالیت‌های حرفه‌ای پروفیسور عزت [الله] نگهبان را در تقابلش با آرتور اوپهام پوپ بررسی می‌کنم. نگهبان از آغاز جوانی و در ادامه کار خود در مقام یک باستان‌شناس میدانی با غارت محوطه‌های باستانی در ایران مبارزه کرد، چرا که می‌دانست این به نابودی تاریخ باستانی ایران، و تاریخ باستانی جهان، می‌انجامد. در این راه نیروهای بسیاری، از دلّالان، مجموعه‌داران، اعضای خانوادهٔ سلطنتی، و حتی علمای ادعایی، از جمله رومن گیرشمن،^۱ با او مخالفت کردند؛ اما او با ثبات قدم ادامه داد.

یکی از مخالفان نگهبان پوپ بود؛ فردی نامتعارف و پیچیده که با مشارکت در نمایشگاه‌ها، مؤسّسات و انتشارات، در اطلاع‌رسانی به جهانیان دربارهٔ دوران باستانی و اسلامی ایران نقش بزرگی داشت. اما به موازات این فعالیت‌ها، کار پوپ معاملهٔ آثار باستانی ایران بود؛ شغلی که او عمداً آن را از محققان مخفی نگاه می‌داشت. گفته می‌شود که فروش آثار باستانی وجه غالب زندگی او بوده است که سایر فعالیت‌های شناخته‌شده‌تر او را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این مقاله نشان می‌دهد که اعتقادات و فعالیت‌های این دو مرد

* این مقاله ترجمه‌ای است از:

MUSCARELLA, Oscar White (1999). "The Pope and the Bitter Fanatic".

منتشر شده در: باستان‌شناسی و هنر ایران، ۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت‌الله نگهبان. به‌کوشش عباس علیزاده، یوسف مجیدزاده، صادق ملک شه‌میرزادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.

1. Roman Ghirshman.

نگهبان می‌نویسم تا به مبارزه سخت او در راه نیکی ادای احترام کنم، و به این‌که مردی نجیب بود. یقین دارم که این پیشکش دانشجویان را نسبت به دو نیروی متضادی که نگهبان و پوپ نماد مثالین آن‌ها هستند، آگاه می‌کند (به بسیاری از معلمان آنان خوش‌بین نیستم). بهتر است آنان بدانند که در حال حاضر نگهبان‌ها سمت بازنده ایستاده‌اند؛ دریغ و افسوس!

نگرانی نگهبان درباره این مسائل در دهه ۱۹۵۰م/ [۱۳۳۰ش] و پیش از حفاری مارلیک آغاز شد^۷ و پس از آن شدت گرفت، زیرا او در هیچ یک از سخنرانی‌های بعدی خود هیچ‌گاه از نمایش تقابل باستان‌شناسی با کار دشمنان آن دست نکشید.

در گام نخست، او به مارلیک رفت، زیرا متوجه شد که آن‌جا در حال غارت شدن است و غارتگران، دلّالان و قاچاقچیان در تکاپو بودند. سپس مشخص شد فقط یک اردوی حفاری در مارلیک وجود داشته، از همین رو، پس از آغاز حفاری، او مجبور شد چهارده ماه متوالی (۱۹۶۱-۱۹۶۲م/ [۱۳۳۰-۱۳۳۱ش]) در آن محوطه بماند تا آن‌جا را از خطر نابودی حفظ کند؛ به نظرم این استقامت بی‌سابقه و قهرمانانه بود. از همان روز اول، او باید با دسیسه‌چینی‌های دلّالان، مقامات فاسد و اعضای خاندان سلطنتی مقابله می‌کرد، کسانی که همگی می‌کوشیدند به کار او خاتمه دهند تا بتوانند کار خود را شروع کنند (کاری که نه چهارده ماه، بلکه فقط چند روز طول می‌کشید). تنها با توسل به شخص شاه نگهبان توانست به کارش ادامه دهد. تعداد کمی از محققان می‌دانند که او مصیبت وحشتناک دیگری نیز متحمل شد و آن حمله فیزیکی به گروهش و تخریب اردوگاهشان بود. تا جایی که سربازانی برای محافظت از او در برابر آرتور پوپ‌های جهان اعزام شدند. آن‌طور که خودش به اختصار اشاره کرده: «پیوسته باید در آماده‌باش می‌بودیم تا از کاوش‌ها و حتی جان خود مراقبت کنیم».^۸ در این‌جا با یک

موضوع مقاله‌ای را که از قبل، برای این جشن‌نامه، به دنبالش بودم در ذهنم نشانید: تفاوت بنیادی میان کار و اهداف نگهبان و پوپ. نمی‌توان به دو شخص مناسب‌تر فکر کرد که دستاوردهایشان به‌طور کلی، تا این حد تجلی دو نظام متضاد حاکم بر جهان باستان‌شناسی باشد. در حالی که یکی تمام عمر خود را صرف ذخیره گذشته برای آینده و حفظ تاریخ کره خاکی می‌کرد، دیگری بی‌وقفه برای نابودی آن می‌کوشید تا آن را به نمایشگاه‌های «آثار باستانی» در موزه‌ها و قفسه‌های مجموعه‌داران تقلیل دهد و در همین راستا، هرکس را که با این اهداف و مقاصد مخالفت می‌کرد به سخره می‌گرفت. فضیلت بزرگ نگهبان این بود که نقش باستان‌شناس را ضروری می‌دانست، به نیازهای باستان‌شناسی احترام می‌گذاشت و به ساخته‌ها و یافته‌های بشری توجه می‌کرد. نگهبان در همان اوان کار خود دانست که درگیر نبرد با نیروهایی قدرتمند شده است. این نبردی بود که در طول زندگی، موقعیت‌های حرفه‌ای و در نوشته‌ها و سخنرانی‌هایش با آن مواجه بود. پوپ تنها دشمن او نبود، باستان‌شناسان دیگری همچون رومن گیرشمن نیز در میان دشمنان او جای داشتند. نگهبان اولین باستان‌شناسی بود که تا آن‌گاه دیده‌بودم که آن‌طور درباره فاجعه غارتگری و نقش موزه‌ها و مجموعه‌داران در این اقدامات به‌صراحت سخن می‌گفت (در تمام دوران دانشجویی من هیچ کس به این مسئله حتی اشاره نکرده بود، چه رسد به این‌که توضیح دهد که این اشیاء چگونه به دست موزه‌ها و مجموعه‌داران رسیده است)، و اگر منظر شخصی و متناسب با موضوع خود را بگویم، سخنرانی او بود که مرا برای اولین بار متوجه این مسئله کرد (علاوه بر آن، سخنرانی ماکتلد ملینک^۵ و همچنین نوشته‌های اولیه و مهجور کلمنسی کاگینز^۶ به من در فهم ماهیت مجموعه‌داری کمک کرد).

بسیاری از دانشجویان و همکاران من نسبت به دیگر نقش مهم نگهبان در باستان‌شناسی دچار غفلتند؛ غفلت از این‌که نگهبان فقط کاوش‌گر مارلیک و سایر محوطه‌ها نبود. پس با این اوصاف، این مقاله را به‌مثابه پیشکشی به

7. NEGAHBAN, Ezat O. *Marlik: The Complete Excavation Report* (Philadelphia: University of Pennsylvania, 1996): 5 f.

8. Ibid, 10.

5. Machteld Mellink.

6. Clemency Coggins.

در زندگینامه‌ای به نام سیرکنندگان در هنر ایرانی^{۱۴} در سال ۱۹۹۶ تدوین و گردآوری کردند. حجم وسیعی از ۶۵۸ صفحه کتاب دربرگیرنده منتخبی از نامه‌ها و اسناد روایی و زندگینامه‌ای است که بسیاری از آن‌ها را پوپ یا همسرش، فیلیس آکرمن^{۱۵}، نوشته‌اند. رابرت پین^{۱۶} و رکسفورد استید هم دو تن از همکاران برجسته‌ای بودند که در نگارش زندگی‌نامه پوپ همکاری داشتند، اما هر دوی آنان پیش از تکمیل کتاب درگذشتند. علاوه بر این، کتاب شامل گزیده‌هایی از زندگی‌نامه ناتمام پوپ به قلم خودش، با نام *نه زندگی*^{۱۷} است.

این زندگی‌نامه تلاشی جمعی توأم با عشق است، که شاگردان و دوستان پوپ آن را گردآوری کردند و نوشتند؛ همه آن کسانی که «عاشقش نبودند، بلکه او را می‌پرستیدند»^{۱۸} و این احساسی کاملاً مشهود بود. چنین عشقی باعث می‌شد سنجش کار ویراستاران و همکاران پوپ و اقدامات و دستاوردهای خود او بار سنگینی بر دوش انتشارات تحمیل کند. بسیاری از نظرهای مثبت اغلب از جانب همان همکاران و دوستان پوپ، در تضاد با شواهدی که خودشان ارائه کرده‌اند، طرح شده و به صورت یک حکم قطعی درآمده و بیش‌تر انتقادات از پوپ نیز «حمله» به او قلمداد شده‌است. با وجود این، کیفیتی مثبت، و البته صادقانه، در کتاب هست که ارزش آن را به شکل قابل توجهی افزایش می‌دهد، و آن این‌که ویراستاران، اگرچه تنها به همان اندازه که خود انتخاب کرده‌اند (پس از کشمکش‌های بسیار با خود)^{۱۹}، بعضی لکه‌های سیاهی را نیز به ما نموده‌اند. اکنون این صداقت به ما اجازه می‌دهد که تشخیص دهیم پوپ بیش‌تر و طولانی‌تر از آنچه تا اکنون فکر می‌کردیم در بازار آثار قیمتی و تاریخی

درام در زندگی واقعی روبرویم؛ درامی که هیچ یک از شخصیت‌های اصلی آن ایفاگر یک نقش ساختگی نیستند و دو نیروی متضاد آن را شکل داده‌اند: اجرایی که نموداری از تضاد باستان‌شناسان با غارتگران/مجموعه‌داران است. نگهبان زندگی‌نامه خودنوشته‌ای از زندگی حرفه‌ای و شخصی خود به رشته تحریر درآورده‌است که به زودی، ان‌شاءالله، آن را خواهیم خواند.

آرتور اوپهام پوپ نامی شناخته‌شده برای همه محققان هنر ایران است. او در سازماندهی چندین کنگره بین‌المللی در زمینه هنر و باستان‌شناسی ایران در فیلادلفیا (۱۹۲۶)، لندن (۱۹۳۱)، لنینگراد (۱۹۳۵)، نیویورک (۱۹۴۰)، و ایران (۱۹۶۰) نقش داشته‌است. او بارها به ایران سفر کرد و اسناد و تصاویر بی‌شماری از بناهای تاریخی ایران ثبت و ضبط نمود. پوپ بنیان‌گذار مؤسسه آسیا^{۱۹} (۱۹۲۸) بود که بعدها نام‌های مختلفی به خود گرفت. این مؤسسه هیئت علمی‌ای متشکل از تعدادی پناهندگان اروپایی داشت^{۲۰} و از کاوش‌های باستان‌شناسی حمایت می‌کرد. پوپ «مشاور» چندین موزه (برای خرید آثار تاریخی) بود. در نهایت، بهترین و ماندگارترین کارش این بود که برای اولین بار مفصل‌ترین اثر چاپی درباره هنر ایران را در غرب پدید آورد و کتاب بررسی هنر پارسی^{۱۱} را در شش مجلد بزرگ به ثمر رساند. پوپ به دلیل عشقش به ایران و کمک‌هایش در راستای نشر آگاهی درباره میراث غنی ایران مورد علاقه و توجه خانواده سلطنتی ایران بود. در سال ۱۹۶۶، خاندان سلطنتی به پوپ و همسرش خانه‌ای در شهر شیراز دادند و پس از درگذشت آن دو (۱۹۶۹ و ۱۹۷۷) یک آرامگاه و پارک به نامش در اصفهان نام‌گذاری شد.

این چکیده مختصر حق مطلب را درباره فعالیت‌ها و زندگی این فرد به‌واقع عجیب و پیچیده ادا نمی‌کند. بخش عمده کارها و زندگی پوپ را جی. گلوک^{۱۲} و نوئل سیور^{۱۳}

14. *Surveyors of Persian Art*.

نام این کتاب با توجه به کتاب پوپ و آکرمن (*The Survey of Persian Art*) برگزیده شده و از این روی تلاش کردیم ترجمه فارسی نام کتاب نیز با ترجمه فارسی نام آن کتاب (سیری در هنر ایران) متناسب باشد. مترجم

15. Phyllis Ackerman.

16. Robert Payne.

17. *Nine Lives*.

18. GLUCK, Jay and Noël SIVER, 1996: XIX.

19. *Ibid*, 574 f.

9. Asia Institute.

۱۰. این مؤسسه در سال ۱۹۳۸ با کمک دو پناهنده به نام‌های ریچارد ایتینگ‌هوزن و لئو بورن‌شتاین مدرسه «مطالعات ایرانی» را بنیان گذاشت و پژوهشگران یهودی و نیز دگراندیش بسیاری را که از آلمان نازی و آتریش به دیگر کشورها پناهنده شده‌بودند، استخدام کرد. مترجم

11. *The Survey of Persian Art* (ایران).

12. Jay Gluck.

13. Noel Siver.

کرده»، از این‌که «من... برای بیست موزه و به ارزش بیش از هشتصد هزار دلار اشیای تاریخی تهیه کرده‌ام»^{۲۷}، و این خودستایی که «من با هشتاد درصد از منابع خرید هنر ایران در ایران ارتباط دارم...».

یکی از دستاوردهایی که پوپ در کتاب نه زندگی برای خود برمی‌شمارد این است: «تأمین‌کننده^{۲۸} آثار هنر ایران برای چندین مجموعه‌دار معروف و در نهایت تأمین‌کننده انحصاری تقریباً بیست موزه، هم در این کشور و هم خارج از آن». گلوک اذعان دارد که پوپ و همسرش از منزل خوشان در پاریس مشغول «تجارت هنری» بودند^{۲۹} (توجه داشته‌باشید که ویراستار در این‌جا و سایر بخش‌های زندگینامه پوپ، برای او تعبیر ملایم‌تر تجارت هنری را به‌جای تجارت آثار باستانی به کار می‌برد). در گزارش استید نیز آمده که یکی از دستیاران پوپ به او گفته که پوپ «در هر سفرش به ایران اشیایی خریداری می‌کرد».^{۳۰} در سال ۱۹۶۸، درست پیش از درگذشت پوپ، روزنامه تهران مطلبی نوشت درباره اینکه پوپ یکی از دانشجویان جوان خود را - «یکی از دانشجویان بسیار جدیدم» - راهنمایی می‌کرد که چگونه آثار باستانی را خریداری کند. در ضمن توجه آن دانشجو را به یک مغازه خاص در تهران جلب کرد، جایی که به‌گفته خودش «اشیایی را به ارزش بالغ بر یک چهارم میلیون دلار از آن خریده بود».^{۳۱}

با این‌که من از مدت‌ها پیش می‌دانستم پوپ یک دلال مخفی عتیقه‌جات است، اطلاعات تازه منتشره شده جزئیات این فعالیت را آشکارا نشان می‌دهد. البته پوپ هیچ‌گاه نقش خود را به‌عنوان یک دلال در خلال نوشته‌ها و فعالیت‌های سازمانی‌اش افشا نکرد، اما اشارات

دست داشته و درگیر بوده‌است. در واقع، او یک فعال و دلال متجاوز عتیقه‌جات بود و شواهد منتشرشده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد این نقش هسته اصلی زندگی او و محرکی بود که بیش‌تر فعالیت‌های ظاهراً تحقیقی او را شکل داد. برای درک کامل این اتهام، باید تمام شواهد منتشرشده مطالعه شود. من در این‌جا نکات برجسته و مرتبط را ارائه می‌کنم.

همچون نگهبان، پوپ نیز شغلی را که تمام عمر مشغول آن بود زود آغاز کرد. به نظر می‌رسد اولین مدرک و شاهی که پوپ را به‌عنوان یک دلال نشان می‌دهد، مربوط به سال ۱۹۰۸ و زمانی است که شروع به فروختن فرش در شهر پراویدنس در ایالت رودآیلند کرد.^{۲۰} او همچنان تا سال ۱۹۲۱ خود را به‌عنوان فروشنده فرش معرفی می‌کرد (همان‌طور که در سربرگ دیده می‌شود)^{۲۱}. این موضوع که پوپ، به‌همراه همسرش، دست‌کم از اواسط دهه ۱۹۲۰، مشغول فروش عتیقه و آثار باستانی بوده‌اند از نامه‌ها و مکاتبات او آشکار شده‌است.^{۲۲} مکاتبات شامل نامه‌هایی است که در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ درباره فروش، قیمت‌ها، «هزینه‌های فنی» و غیره به دلالی به نام رابنو^{۲۳} نوشته شده (که پوپ با او رابطه تجاری بلندمدتی داشته‌است، تا جایی که خانواده او پوپ را «عمو آرتور» خطاب می‌کرده‌اند)^{۲۴}. همچنین به بسیاری از مدیران موزه‌ها، که همیشه در نامه‌هایش به آنان بابت آن‌که قیمت‌هایش در مقایسه با سایر فروشندگان خیلی ارزان بود مفاخره می‌کرد (قیمت‌های او، اگر با قیمت‌های امروز هماهنگشان کنیم، به‌صورت چشمگیری چندین برابر می‌شود). در میان دیگر چیزها، از «مجموعه باستان‌شناسی» او نام برده شده،^{۲۵} از این‌که او «به ارزشی بالغ بر سه چهارم میلیون دلار اشیای ایرانی خریداری

26. Ibid, 167.

27. Ibid, 413.

۲۸. کدام عنوان برای زندگی‌نامه مناسب‌تر است؟ آیا ویراستاران متوجه

نشده‌اند عنوانی که انتخاب کرده‌اند ناگزیر موجب استهزا می‌شود؟

[نویسنده به شباهت لفظی Purveyor به معنی «مسئول خرید» (لفظی که

پوپ درباره خود به کار برده‌است) با Surveyor به معنی «سیرکننده، ارزیابی

کننده» (لفظی که ویراستاران جشن‌نامه پوپ در عنوان جشن‌نامه او به کار

برده‌اند) نظر دارد. مترجم]

29. Ibid, XV.

30. Ibid, 583.

31. Ibid, 527.

20. Ibid, 49.

۲۱. اطلاع شخصی.

22. Ibid, 154 ff.

این فصل عنوان «برخی مکاتبات درباره دادوستد» (Some Correspondence on Dealing) دارد؛ «برخی» در این‌جا نشان‌دهنده این است که فقط نمونه‌ای از اطلاعات موجود ارائه شده‌است.

23. Rabenou.

24. Ibid, 155-156, 170, 179 f., 204, 207.

25. Ibid, 159.

نوشته اکرم‌ن.

اخیراً «کشف‌شده» منتشر می‌کند.^{۳۷} در حقیقت، پوپ چیزهایی را منتشر می‌کرد که برای فروش عرضه می‌شد یا قبلاً آن‌ها را فروخته بود؛ بنابراین، از نشریه اخبار مصور لندن به‌عنوان کاتالوگ فروش استفاده می‌کرد.^{۳۸} سرنخی از این کار در پایین سمت راست اخبار مصور لندن (9/ 444: 13/ 30) وجود دارد که در آن اشیای نمایش داده‌شده به‌طور خاص زیر عنوان «در مجموعه آقای ا. اوپهام پوپ» معرفی شده است. نامه‌ای به تاریخ سال ۱۹۳۰ در کتاب زندگینامه منتشر شده^{۳۹} و در آن نامه، پوپ به موزه بوستون بامباهات می‌گوید که تصاویر تعدادی از اشیایی که به ایشان فروخته در آینده نزدیک در اخبار مصور لندن منتشر خواهد شد و این فقط بخشی از خدمات فروش اوست. این کاتالوگ‌های فروش پوششی بودند که به‌طور غیررسمی پوپ از طریق آن‌ها خود را به‌عنوان مدیر نمایشگاه بین‌المللی هنر ایران^{۴۰} و همچنین مدیر مؤسسه خود معرفی می‌کرد.^{۴۱}

علاوه بر این، پوپ از این نشریه استفاده می‌کرد تا ما را نسبت به فعالیت‌های باستان‌شناسی در غرب ایران آگاه کند و اطلاعات تخصصی خود را در رابطه با باستان‌شناسی و روش‌های فنی آن به اشتراک بگذارد. مواجهه مستقیم و توصیفات تصادفی پوپ از چگونگی «کشف» مفرغ‌های لرستان و نحوه گزارش او از آنچه در واقع غارتگری و نابودی کامل فرهنگ لرستان بود - با حمایت مالی خودش از این اقدامات - در مقایسه با چهارده ماه کار نگهبان در مارلیک و آنچه او پس از ترک مارلیک مشاهده کرده، همگی می‌تواند معادل یک واحد درسی باشد. در نشریه اخبار مصور لندن (10/ 22/ 32: 613)، پوپ ما را با آقا رحیم

واضحی وجود دارد که او و همسرش، فیلیس اکرم، صاحب آثار عتیقه بودند و خود را (گاهی با یکی از نام‌هایشان و گاهی با هر دو نام) مالکان تعدادی از اشیایی اعلام می‌کردند که در نشریات علمی علی‌الادعا غیرانتفاعی، که اختیارشان را در دست داشتند، به نمایش می‌گذاشتند.^{۳۲} ناگفته نماند که پوپ از قبل بیش‌تر این آثار باستانی را که در همه این نشریات منتشر می‌کرد، فروخته بود (نیز نک. آنچه درباره اخبار مصور لندن^{۳۳} در ادامه خواهد آمد). همچنین، دست‌کم یک مدرک علمی چاپی از این‌که پوپ عتیقه‌ها را به موزه‌ای فروخته وجود دارد و در این جا، منظور موزه دانشگاه پنسیلوانیا است.^{۳۴} اکنون می‌توانیم به نامه‌هایی درباره این معامله که در زندگی‌نامه او چاپ شده استناد کنیم.^{۳۵} در این رابطه، شایان توجه است که گرچه رکسفورد استید در نامه‌ای به تاریخ ۱۹۸۲ درباره مقاله من در سال ۱۹۷۹ تصدیق می‌کند که می‌دانسته سیری در هنر ایران شامل «اشیایی... در تملک فروشنده... و بسیاری دیگر از مجموعه دارانی است که احتمالاً آن‌ها را از طریق آرتور، وقتی که در دهه ۱۹۲۰ فعلاً درگیر فروش بوده، به دست آورده‌اند»^{۳۶}، ولی به این موضوع که پوپ یکی از همان فروشندگان بوده، و او حتماً این را می‌دانسته، اشاره نمی‌کند.

پوپ، درست همان‌طور که خوانندگان نشریات اصلی خود را فریفته می‌کرد، در اخبار مصور لندن هم - نمی‌شود نادیده گرفت که به‌صورتی هوشمندانه - خوانندگان را فریب می‌داد. سردبیران و خوانندگان مجله، از جمله دانشجویان و محققان، عقیده داشتند پوپ محقق است که بدون منافع شخصی، مطالبی را درباره اشیای باستانی

۳۷. برای مثال در اخبار مصور لندن، 39/ 6/ 5: 790 سردبیر مجله می‌نویسد پوپ «... به‌خاطر اکتشافاتش در زمینه مفرغ‌های ایران شناخته شده است».

۳۸. نک. کتاب‌شناسی نوشته‌های پوپ در اخبار مصور لندن، در:

GLUCK, Jay and Noël SIVER, 1996: 613 f.

نیز:

MUSCARELLA, Oscar W. "Unexcavated Objects and Ancient Near Eastern Art: Addenda". *Monographic Journals of the Near East, Occasional Papers 1: 1* (Malibu: Undena Publications): 13.

39. GLUCK, Jay and Noël SIVER, 1996: 160.

40. viz. *ILN* 9/ 6/ 30: 388; 9/ 13/ 30: 444.

41. *ILN* 5/ 31/ 41: 7148; 3/ 1/ 41: 292.

۳۲. سیری در هنر ایران: ج ۱، شکل‌های ۳۸، ۶۵، ۷۱، ج ۷، لوح‌های ۱۰، ۳۳، ۴۱، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۷۴، ۱۱۱، ۱۲۴، ۱۹۲، ۲۵۵، ۲۵۶؛

Catalogue of the International Exhibition of Persian Art (London: Guide to the Exhibition of ۱۷-۱۶، ۱۲، ۸، ۳-۲: don, 1931)

Persian Art (Ackerman, 1940) فهرست‌شده در صفحه ۱ و صفحات

دیگر: *Masterpieces of Persian Art* (Pope, 1945): لوح‌های ۶-۷، ۲۷.

33. *Illustrated London News*.

34. LEGRAIN, Leon. "Luristan Bronzes in the University Museum". *The Museum Journal Supplement*, no. 1934 (June, 1934): 3, 8.

35. GLUCK, Jay and Noël SIVER, 1996: 157 f.

36. *Ibid*, 169.

در نامه‌ای که در سال ۱۹۳۲ به مدیر یک موزه نوشته شده،^{۴۵} پوپ چیزی را برای فروش پیشنهاد می‌کند که «یکی از تک‌خال‌های نمایشگاه» بوده است (نمایشگاه لندن، ۱۹۳۱). همچنین پوپ در میان بازارگرمی خود اشاره‌گذاری کرده که در حال مذاکره با موزه ارمیثاژ برای فروش آن قطعه است، پس رئیس این موزه باید برای خرید آن زودتر اقدام کند. پوپ شخصاً در زندگی‌نامه‌اش به این نمایشگاه (در سال ۱۹۳۱)، به اجناس خود و به چیزهایی که به‌تازگی فروخته بوده اشاره می‌کند.^{۴۶}

در مورد سوءاستفاده پوپ از مؤسسه‌اش برای انجام معاملات عتیقه کافی است به بهره‌برداری او از عنوان «مدیر» مؤسسه در کاتالوگ‌ها (که پیش‌تر گفته شد) و همچنین به اعترافات استید، مأخوذ از نامه سال ۱۹۸۲ که بالاتر بدان اشاره شد،^{۴۷} مراجعه کنیم: «اگرچه بی‌شک مؤسسه او فروش‌های بعدی پوپ را افزایش داد [قبل‌ها را نه؟]، اما اطمینان دارم که او هرگز از آن مؤسسه غیرانتفاعی به‌صورت غیرقانونی استفاده نکرده است؛ با این حال، او شخصاً درگیر این موضوع شده و این نشان‌دهنده یک مشکل اخلاقی است». دیگر نیازی نیست بیشتر به این موضوع پردازیم.

اگرچه دست‌اندرکاران زندگی‌نامه پوپ اغلب از او دفاع می‌کنند و کارش را به‌عنوان «فروشنده آثار هنری» و کسی که فقط سفارش‌ها را قبول می‌کرد منطقی جلوه می‌دهند،^{۴۸} همچنان ایشان از بابت به اشتراک گذاشتن شواهد و مدارک مغایر با این نظر و همچنین

عتیقه‌ها را می‌فروخته و آگاهانه اشیای جعلی را به فروش می‌رسانده است. یک کمیته استماع تشکیل شد، ولی به‌علت امتناع مدعیان از طرح اتهام به‌صورت علنی، جلسه منحل شد و پوپ تبرئه گردید (نک. فصل «محاكمه»، Ibid, 205 ff. پین در زندگی‌نامه ناتمامش (Ibid, 206). عتاب‌آلود می‌گوید: «... آرتور به‌زیبایی تبرئه شد».

اگرچه پوپ اغلب به فروش اشیای جعلی متهم می‌شد، ولی این موضوع بحث من در این‌جا نیست، زیرا اطلاعات مشخصی مبنی بر این‌که او این کار را آگاهانه انجام می‌داده ندارم. او آشکار و نهان در برابر اتهامات از خود قاطعانه دفاع می‌کرد. شکی نیست که او اشیای جعلی، از جمله نسخه خطی معروف اندرزنانه، را فروخته است.

45. Ibid, 163.

46. Ibid, 189.

47. Ibid, 169.

48. see 19, 154 ff., 169, 206 f., 216, 316, 574, 577.

آشنا می‌کند، فردی که به‌همراه برادرش «با پیدا کردن مفرغ‌ها بسیار مرتبط بودند...». برادر رحیم «ده ماه متوالی را صرف جمع‌آوری مفرغ‌ها کرد...»، رحیم نیز به پیراوند سفر کرد «جایی که حجم عظیمی از فلزات عالی و معمولی لرستان در آن‌جا پیدا شده بود؛ چیزی حدود هزار قطعه در کمتر از دو ماه». همچنین رحیم «در شکافتن قبرهای زیادی حضور داشت...». وقتی نگهبان پس از اتمام کاوش‌هایش دوباره به مارلیک بازگشت، «بیش از دوهزار گودال شکافته شده توسط غارتگران» را شمارش کرد. «چهارصد نفر هم در این حفاری مخفیانه گماشته شده بودند و مأموران محلی به ازای هر کارگر پنج ریال رشوه می‌گرفتند تا کاری به کار آن‌ها نداشته باشند».

پوپ از مشارکت نزدیک خود در نمایشگاه‌های بین‌المللی، که حامی مالی آن‌ها بود، برای فروش اجناس خود بهره می‌برد و این موضوع را بالاتر، آن‌جا که از تصاویر اشیای ملکی‌اش که در نشریات آن نمایشگاه‌ها می‌آورد سخن گفتیم، نشان دادیم. اکنون اطلاعات دقیق‌تری که نشان می‌دهد پوپ از این نمایشگاه‌ها به‌عنوان جایی برای فروش اشیای خود استفاده می‌کرده در کتاب زندگی‌نامه کاملاً افشا شده است. رکسفورد استید در نامه‌ای (در سال ۱۹۸۲) به رابرت پین نوشته است: «بسیاری از چیزهایی که در نمایشگاه [فیلا دلفیا، ۱۹۲۶] به نمایش درآمده بود، در واقع برای فروش بودند... دلایلی خیلی از آن اشیای در معرض تماشا را به امانت داده بودند و حتی ای. یو. پی. [آرتور اوپهام پوپ] و پی. ای. [فیلیس اکرم] آثاری برای فروش داشتند...».^{۴۲} در نامه دیگری به پین در همان سال،^{۴۳} استید می‌نویسد پوپ در سال ۱۹۲۶ به مدیریت خود نمایشگاه همزمانی در موزه پنسیلوانیا (بعدها به نام موزه هنر فیلا دلفیا) ترتیب داد، زیرا برایش سؤال شده بود که شاید «نمایشگاه بهترین محل برای چنین عرضه‌ای است و می‌تواند مجموعه‌داران ثروتمندی را که ای. یو. پی. [آرتور اوپهام پوپ] به دنبال آن‌ها بود جذب کند».^{۴۴}

42. GLUCK, Jay and Noël SIVER, 1996: 577.

43. Ibid, 578 f.

44. در واقع افرادی که درگیر نمایشگاه ۱۹۳۱ بودند پوپ را متهم کردند که کمیته انتخاب اشیای نمایشگاه را در تسلط خود داشته و همانند دلایان،

وقوع بود و هر آن چیزی را که معاملاتش به آن نیاز داشت در قالب فعالیت‌های باستان‌شناسی درمی‌آورد. روشن است که در برابر جامعه علمی بر این جنبه از واقعیات زندگی‌اش سرپوش می‌گذاشت و واکنشش نسبت به مخالفان یا کسانی که به او مشکوک بودند، توهین و تمسخر بود. هیچ زمان پریشی‌ای در واکنش نشان دادن به این رفتار مشمئزکننده و برداشتن این پوشش شفاف از این عورت عیان وجود ندارد.

نگاهی اجمالی به کار گلوک و سیور به ما این امکان را می‌دهد که ارزیابی منفی پوپ از نگهبان را از منظر درستی ببینیم: یک فروشنده آثار هنری ایران که داشت از کسب و کار خود محافظت می‌کرد، غافل از این که در همان حین به نگهبان مدال افتخار می‌داد.

ایجاد شبهاتی درباره او، که بعضی از آن‌ها را دیدیم، سزاوار قدردانی‌اند. چند سال قبل از ۱۹۸۱، فردی از زبان پین نقل می‌کند که درباره پوپ گفته است «عجب شارلاتان خارق‌العاده‌ای!»^{۴۹}. استید هم در سال ۱۹۷۹ به پین نوشت: «آیا دستاوردهای پوپ تحت الشعاع بُعد دلّالی و فروشنده بودن او قرار نگرفته است؟ این موضوع وجدان مرا معذب می‌کند». سه سال بعد، استید به پین شکوه می‌کند و می‌نویسد: «رابرت، دارم فکر می‌کنم همه ما که جذب آرتور شدیم، دچار تناقض یا ضعف شخصیتی بودیم. اصلاً شاید ای. یو. پی [آرتور اوپهام پوپ] دنبال چنین اشخاصی بود! ما پوپ را به شمایل یک پدر درآوردیم؛ چه بسا از روی نیاز». این سخنان چیزهای زیادی درباره پوپ، مریدان او و انگیزه‌هایی که در پس تألیف این زندگینامه بوده است به ما می‌گوید.

گلوک (که خود یک دلال عتیقه است) و استید مسئله زمان‌پریشی را به شکل سستی پیش می‌کشند؛ به این صورت که ابتدا با معیارهای امروزی درباره پوپ قضاوت می‌کنند و سپس پوپ را یک «محقق» می‌خوانند که سال‌ها پیش، منطبق با هنجارهای آن روز، به فروش آثار باستانی و عتیقه‌ها نیز می‌پرداخت^{۵۰} (پین نیز چشمانش به روی تحقیقات و مقاصد باستان‌شناسی کاملاً بسته بود). این ترفندی متظاهرانه و نابخردانه است، زیرا فقط این نیست که پوپ یک دلال مثل سایر دلالان بوده، همچون ارنست هرتسفلد (به گیرشمن هم در این نقش اشاره شده است^{۵۱})، بلکه واقعیت این است که فروش عتیقه‌جات نیروی پیش‌برنده کار او بود و فعالیت‌های علمی او، مؤسسه، نمایشگاه‌ها و انتشاراتش همگی برای نمایش و عرضه این معاملات به کار گرفته می‌شدند. علاوه بر این، پوپ نسبت به نابودی و تخریبی که خود به بار آورده بود آگاه و در عین حال کاملاً بی‌تفاوت بود. او می‌دانست که در ایران چه اتفاقی در حال

49. Ibid, 408.

ویراستاران [جشن‌نامه پوپ] باقی اظهارنظرهای منفی‌ای را که دریافت کرده‌اند نیز در کار خود گنجانده‌اند (برای مثال نک. صفحات 541، 585، 170). خواهرزاده اکرم عقیقه داشت که پوپ یک «دروغ‌گوی مادرزاد» است.

50. Ibid, XIX, 584.

51. Ibid, 584.



Table of Contents

Editorial

Shouldering the Responsibility for Scholarship	3-4
--	-----

Articles

On a Specific Phonetic Change in the Persian Language / Ali Ashraf SADEGHI	5-7
Ferdowsi in the Court of Solomon? / Abolfazl KHATIBI, Amir ARGHAVAN	8-17
Şadrā's Use of Fakhr al-din Rāzī's <i>al-Mabāḥith al-Mashriqiyya</i> in the <i>Asfār</i> / Cécile BONMARIAGE; Translated by Saeed ANVARI, Maryam MAHDAVI MAZDEH	18-35
Two Newly-Found Couplets from Rūdakī in a Newly-Discovered Book on Prosody and Rhetoric from the Late Seventh Century AH / Seyyed MohammadHosein HAKIM	36-43
The Royal Library of Muhammad Zāhir Shāh and Cataloguing its Manuscripts / Masumeh NAZARI	44-53
First Pages of the <i>Shahname</i> of Qawām al-dīn Hasan-i Wazīr / Amir ARGHAVAN	54-83
The Pope and the Bitter Fanatic / Oscar White MUSCARELLA; Translated by Hedyeh RAHBARI	84-90
<i>Qaṣab-i Si Dāmanī</i> and <i>Dah-Nuh</i> , Two Obscure Expressions in Xāqānī's Collection of Poetry / Seyyed Mohsen HOSEYNI VARDANJANI.....	91-94
<i>Safīna-yi Pur Bahr</i> (an Anthology of Opuses); a Review of a Book from the Eighth Century AH / Farzaneh SHOKROLLAHI	95-99

Reviews and Critiques

<i>Persian Prose</i> , Fifth Volume of <i>A History of Persian Literature</i> / Majdoddin KEYVANI	100-111
On Plagiarism in the Edition of <i>Silsilat al-'arīfīn wa Taḍkirat al-Şiddīqīn</i> / Arif NAUSHAHI.....	112-114
<i>Sharḥ-i Ādāb-i Khat</i> (A Commentary on the Principles of Calligraphy); On the Edition of Sulṭān 'Alī-yi Mašhadī's Treatise / AliReza HashemiNejad	115-121
Reflecting on <i>Jung-i 'Alī Ibn-i Aḥmad</i> (an Anthology Compiled by 'Alī Ibn-i Aḥmad): the Date of Compilation and the Published Text / Farzam HAGHIGHI.....	122-133

Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (13); Drawing On the Vedic Texts for the Etymology of the Persian Language / Seyyed AhmadReza QAEMI MAQAMI	134-142
The Interplay Between Semitic Sources and Sasanian Studies: a New Approach / Nima JAMALI.....	143-149

Iran in Ottoman Texts and Sources (24)

Works of Lütfi Ahmed Efendi / Nasrollah SALEHI	150-151
--	---------